

ارتباط بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی در دانشجویان

متاهل موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد

الهام نجارزاده طبقه^۱، فاطمه روشن^۲

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد، ایران*

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی در دانشجویان موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد می باشد. برای دستیابی به این هدف نمونه ای مشتمل بر ۱۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه های بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی را تکمیل کردند. نتایج نشان می دهد که بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: بلوغ عاطفی، کیفیت زندگی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد



مقدمه

بلوغ از نظر لغوی در فرهنگ فارسی به معنی «رسیدن»، «رسیدن به سن رشد» است. مفهوم بلوغ به این معنی است که برای انجام کارهای مختلف نیاز به یک سری مقدمات و معلومات است، به این بیان که انسان برای این که در هر عرصه‌ای توانمندی خود را کسب کند، باید به مرحله‌ای از رشد در آن زمینه رسیده باشد، تا بتواند آن کار را انجام دهد، برای مثال یک کودک باید به یک سن و رشد خاصی برسد، تا بتواند بایستد و راه برود و این کار در همه کودکان یکسان نیست، بلکه نسبت به شرائط جسمی و روحی افراد و محیط اطراف متفاوت است. بنابراین نمی‌توان برای بلوغ یک سن مشخصی را بیان کرد، و فقط می‌توان شرایط احراز آن را مطرح نمود. مفهوم بلوغ به این معنی است که برای انجام کارهای مختلف نیاز به یک سری مقدمات و معلومات است، به این بیان که انسان برای این که در هر عرصه‌ای توانمندی خود را کسب کند، باید به مرحله‌ای از رشد در آن زمینه رسیده باشد، تا بتواند آن کار را انجام دهد. نوجوانی دوره‌ای از مراحل رشد انسان است که حد فاصل کودکی و جوانی محسوب شده و مشخصه اصلی آن بلوغ و پدیدار شدن ویژگی‌های جنسی در فرد است. سن آغاز بلوغ با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، زیست بوم و تفاوت‌های فردی به ویژه خصایص ارثی در جوامع، شهرها و یا حتی خانواده‌های مختلف متفاوت است، در سال‌های اخیر انقلاب ارتباطات نیز به عنوان یکی از عوامل موثر در بلوغ زودرس مطرح شده است. روان‌شناسان رشد می‌گویند ارزیابی‌ها نشانگر آن است که سن آغاز بلوغ بطور کلی از قرن بیستم تا اولین دهه قرن بیست و یکم در چندین مرحله پایینتر آمده است؛ در اوایل قرن بیستم سن آغاز بلوغ در اروپا و آمریکای شمالی بطور متوسط شانزده سال محسوب می‌شد. آغاز بلوغ در دهه شصت به زیر پانزده سال رسید و در دهه نود به چهارده سال و گفته می‌شود که هم‌اکنون در اروپا و آمریکا بین دوازده تا سیزده سال است. در آب و هوای گرمسیری بلوغ زودتر از آب و هوای سردسیر رخ می‌دهد، و البته تابع شرائط فرهنگی و متغیرهای خاص منطقه نیز هست. بین دختران و پسران در آغاز بلوغ تفاوت چشمگیری به چشم می‌خورد، دختران زودتر به بلوغ می‌رسند و زودتر مرحله بلوغ را به پایان می‌رسانند ولی پسران ممکن است بیشتر از یک و یا حتی دو سال از دختران در رسیدن به بلوغ عقب بمانند. بین طبقات مختلف اجتماعی نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود به طوری که در طبقه فقیر معمولاً بلوغ زودتر آغاز می‌شود. اگرچه عواملی چون رسانه‌ها و گستردگی و در دسترس بودن آنها رفته رفته این تفاوت را به سوی متعادل شدن پیش می‌برد (قادری دهکردی و همکاران، ۱۳۹۲). زمانی می‌توانیم فرد را از لحاظ عاطفی بالغ بدانیم که فرد کلیه‌ی عواطف و احساسات خود را به درستی بشناسد و نحوه‌ی ابراز صحیح و کنترل آنها را بداند، افسردگی از جایی آغاز می‌شود که فرد عواطف خویش را به درستی نمی‌شناسد و بالطبع کنترل و ابراز آنها را نمی‌داند، پس یا آنها را به شکل نادرستی ابراز می‌کند و یا آنها را انکار و یا سرکوب می‌کند. بسیاری از افراد در سنین نوجوانی و جوانی به بلوغ عاطفی دست پیدا نمی‌کنند. این مسئله مهم است که آیا افراد ابتدا به یک بلوغ



نسبی عاطفی دست می‌یابند و بعد سعی می‌کنند به زندگی مشترک قدم گذارند یا وقتی ازدواج کردند و زندگی مشترکی را با فرد دیگری آغاز کردند این بلوغ در آنها ایجاد می‌شود. (قادری دهکردی و همکاران، ۱۳۹۲) بسیاری از افراد معتقدند که فرد ابتدا باید از لحاظ اقتصادی و اجتماعی به یک استقلال دست یابد و بعد به نیازهای عاطفی خود توجه کند. دوران بلوغ و مراحل قبل و بعد از آن دورانی مهم و سرنوشت‌ساز است. آغاز آن به هر گونه‌ای که باشد لاجرم فرجامی خواهد داشت که ممکن است بسیار تلخ یا شیرین باشد. ازدواج خود عامل مهمی در ایجاد بلوغ عاطفی است؛ هر شکست عاطفی موجب می‌شود که فرد تلاش بیشتری در کنترل احساسات خود کند. بسیاری معتقدند که بلوغ عاطفی در میان زنان و مردان متأهل بیشتر از افراد مجرد دیده می‌شود. اگر رشد و بلوغ عاطفی فرد تا حدودی کامل باشد، قابلیت انطباق او بالا می‌رود. موفقیت در ازدواج حاصل عواملی مانند ازدواج به موقع، همانندی‌های شخصیتی، شیوه‌های مناسب ارتباط با یکدیگر، پافشاری بر تعهدات زندگی خانوادگی و برخورداری از امکانات شغلی و مالی و رفاهی و ... است. از طرف دیگر کم‌تجربگی و ناپختگی همسران جوان، مشکلات مربوط به پذیرش هویت متفاوت طرف مقابل، خصوصیات متفاوت در خانواده و دخالت‌های بی‌مورد و انتظارات آنها از همسران جوان، کمبودهای مالی، شغلی و تدارک وسایل زندگی و مسکن بر مشکلات این جریان پیچیده می‌افزاید که بخشی از این مشکلات ناشی از نبود بلوغ عاطفی است. از دیگر سو افرادی که به بلوغ عاطفی کامل رسیده‌اند می‌توانند در زندگی فردی و اجتماعی نیز موفق باشند. بر طبق نظریه کیفیت زندگی اجتماعی کیفیت زندگی عبارت است از: شرایطی که شهروندان در آن قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌اند، به صورتی که بهزیستی و توانایی بالقوه آنها نیز بهبود یابد. کیفیت زندگی اجتماعی مبتنی است بر درجه تامین اجتماعی - اقتصادی، دامنه ادغام (مشمولیت) اجتماعی، دوام و شدت همبستگی و انسجام اجتماعی بین نسل‌ها، و سطح خودمختاری و توانمندسازی شهروندان (نول، ۲۰۰۲). تامین اجتماعی - اقتصادی شرایطی است که افراد در آن از امکانات کافی برخوردارند. این موضوع به دستاوردها و اقدامات حمایتی جامعه و نظام‌ها و موسسات اجتماعی بستگی دارد که زمینه فرآند خودتحقق افراد را فراهم می‌آورند. ادغام اجتماعی شرایطی است که افراد در آن قادرند به نهادها و روابط اجتماعی دسترسی داشته باشند. این موضوع به مشارکت و فرآیند ادغام در هویت‌های جمعی و واقعیت‌هایی که خودتحقق را محقق می‌کند بستگی دارد. همبستگی اجتماعی مبتنی است بر هویت‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، که از یک سو با انسجام هویت‌های جمعی ارتباط دارد و از سوی دیگر با فرآیندی که شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های اجتماعی این شبکه‌ها را ایجاد و پشتیبانی می‌کند. توانمندسازی اجتماعی نیز شامل قابلیت‌های شخصی افراد و توانایی فعالیت آنها از طریق روابط اجتماعی است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷). با توجه به تفاسیر موجود در پژوهش حاضر به بررسی



رابطه بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی در دانشجویان متاهل موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد پرداخته می شود.

روش تحقیق:

هنگامی که تحقیق با هدف برخورداری از نتایج داده ها برای حل مساله موجود صورت گیرد تحقیق از نوع کاربردی است. اما وقتی اساسا برای بهبود درک درباره مسائل به خصوصی که به طور معمول در محیط های سازمانی روی می دهند و نیز چگونگی حل آنها تحقیق صورت گیرد. تحقیق را بنیادی یا پایه ای گویند که تحقیق محض نیز نامیده می شود. بنابراین در پژوهش حاضر که به بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی در دانشجویان متاهل موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد می پردازد تحقیق از نوع بنیادی می باشد. که بر اساس اهداف تحقیق نمونه ای مشتمل بر ۱۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده برای این پژوهش انتخاب و پرسشنامه های پژوهشی را تکمیل کردند شیوه جمع آوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از پرسشنامه برای سنجش متغیرها و مصاحبه بالینی برای به دست آوردن اطلاعات دموگرافیک می باشد.

روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش برای فرضیه پژوهشی آزمون همبستگی پیرسون می باشد.

ابزار پژوهش:

پرسشنامه ی بلوغ عاطفی:

مقیاس بلوغ عاطفی یاشویر سینک و بهارگاوا (EMS) که در سال ۱۹۷۴ ساخته شده است، یک مقیاس گزارش شخصی ۵ گزینه ای است که دارای ۴۸ سوال است. سوالات این مقیاس خواستار اطلاعات برای هر یک از ۵ گزینه ای است که به صورت خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالا و هرگز می باشد. سوالات طوری است که جواب مثبت خیلی زیاد نمره، "۵" زیاد، "۴" نامشخص، "۳" احتمالا "۲" و پاسخ منفی هرگز نمره "۱" دریافت می دارد. درضمن عوامل مربوط به عدم بلوغ عاطفی شامل این موارد می باشد. ۱۰ سوال اول مربوط به عدم ثبات عاطفی، ۱۰ سوال دوم مربوط به بازگشت عاطفی، ۱۰ سوال سوم مربوط به ناسازگاری اجتماعی، ۱۰ سوال چهارم مربوط به فروپاشی شخصیت و ۸ سوال آخر مربوط به فقدان استقلال می باشد. اما تفسیر نمرات در این مقیاس بدین ترتیب است: نمرات ۵۰-۸۰ بسیار باثبات؛ ۸۱-۸۸ نسبتا باثبات؛ ۸۹-۱۰۶ بی ثبات و ۱۰۷-۲۴۰ بسیار بی ثبات. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری برای دانشجویان کالج توسط سینکا و سینک تعیین شده است. این پرسشنامه، سازگاری عاطفی دانشجویان کالج را اندازه می گیرد و تعداد سوالات این حوزه ۲۱ مورد است. همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در ۲۱ سوال و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۶۴٪ بود (حافظ آبادی و باقی،



۱۳۸۶). پایایی توسط آزمون- باز آزمون بر روی دانشجویان اندازه گیری شد که شامل دختران و پسران ۲۰-۲۴ ساله بودند. فاصله زمانی بین این دو آزمون ۶ ماه بود و همبستگی گشتاوری بین این دو اجرا ۷۵٪ بود. همسانی درونی این مقیاس با محاسبه ضریب همبستگی های بین کل نمرات و نمرات هر یک از ۵ گروه تعیین شد. عدم ثبات عاطفی ۷۵٪ بازگشت عاطفی ۶۳٪ ناسازگاری اجتماعی ۵۸٪ فروپاشی شخصیت ۸۶٪ و فقدان استقلال ۴۲٪ به دست آمد. این پرسشنامه در ایران توسط قهرمانی، منظمی تبار و کریمی (۱۳۹۵) هنجاریابی شده است و ضریب همسانی درونی ۸۰٪ برای آن محاسبه شده است.

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ادراک افراد را نسبت به سیستم های ارزشی و فرهنگی و همچنین اهداف شخصی، استانداردها و نگرانی های خود ارزیابی می کند. WHOQOL کوتاه شامل ۲۶ آیتم است که از نسخه ۱۰۰ آیتمی این پرسشنامه برگرفته شده است. این پرسشنامه ۴ حیطه وسیع را اندازه گیری می کند، که عبارتند از، سلامت جسمی^۱، سلامت روانشناختی^۲، روابط اجتماعی^۳ و محیط زندگی. علاوه بر این موارد این پرسشنامه سلامت عمومی را نیز می تواند ارزیابی کند. آیتم های پرسشنامه نیز بر روی یک مقیاس ۵ گزینه ای ارزیابی می شود. در بررسی آیتم های نسخه کوتاه پرسشنامه WHOQOL نشان دهنده اعتبار افتراقی، اعتبار محتوا، پایایی درونی (آلفای کرونباخ، سلامت جسمی ۸۰٪، سلامت روانشناختی ۷۶٪، روابط اجتماعی ۶۶٪، و محیط ۸۰٪) و پایایی آزمون، باز آزمون مناسبی است (اسکونگتون و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از محدث اردبیلی، ۱۳۹۷). در پژوهشی که توسط نجات و همکاران (۱۳۸۷) در ایران برای بررسی پایایی و روایی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی انجام شد مشخص شد که مقادیر پایایی با شاخص همبستگی درون خوشه ای در حیطه سلامت فیزیکی ۷۷٪، در حیطه روانی ۷۷٪، در حیطه روابط اجتماعی ۷۵٪ و در نهایت در حیطه سلامت محیط برابر با ۸۴٪ بود. مقدار سازگاری درونی^۴ بین ۴ حیطه در گروه سالم برابر ۷۳٪ و در گروه بیمار ۷۷٪ به دست آمد. صرف نظر از دو سوال کلی ابتدایی پرسشنامه در مورد کیفیت زندگی و وضعیت سلامت بین ۲۴ سوال باقیمانده در گروه سالم مقدار این شاخص ۸۳٪ و در گروه بیمار ۸۵٪ به دست آمد. در تمام محاسبات مربوط به آلفای کرونباخ به غیر از سوال ۲۲ از حیطه سوم، حذف هیچ یک از سوالات این شاخص را بالا نمی برد، حذف این سوال از حیطه سوم در گروه سالم آلفای کرونباخ را از ۵۵٪ به ۵۹٪ می رساند.

- 1- Physical Health
- 2- Social relationship
- 3- Environmental Domain
- 4- Internal consistency



یافته‌ها:

بررسی توصیفی اطلاعات

در این قسمت داده‌ها حاصل از اجرای پرسشنامه‌های کیفیت زندگی و بلوغ عاطفی بر روی اعضای گروه نمونه مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار می‌گیرد. اطلاعاتی که در این قسمت ارائه می‌گردد شامل میانگین و انحراف استاندارد حداقل و حداکثر نمرات می‌باشد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کیفیت زندگی	۳/۰۵	۲۳٪	۱۹	۴۱
بلوغ عاطفی	۲/۸۹	۷۹٪	۲۷	۸۷

یافته‌های استنباطی

در این بخش داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌های کیفیت زندگی و بلوغ عاطفی بر روی اعضای نمونه مورد تجزیه و تحلیل استنباطی قرار می‌گیرد.

آزمون کالموگروف اسمیرنوف

به جهت بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در نمونه پژوهشی، آزمون کالموگروف اسمیرنوف^۵ به کار گرفته می‌شود. چنانچه سطح معناداری آزمون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد؛ می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال است. نتایج حاصل از اجرای آزمون کالموگروف اسمیرنوف مربوط به مقیاس‌های کیفیت زندگی و بلوغ عاطفی در جدول (۲) ارائه می‌شود.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون کالموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیر	K S	سطح معناداری
کیفیت زندگی	۳۲٪	۰۹٪
بلوغ عاطفی	۶۱٪	۳۹٪

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود توزیع نمرات پیرایشانی روانشناختی و خستگی روانی در گروه نمونه پژوهش نرمال می‌باشد.

1- Kolmogorov-Smirnov



آزمون لوین

به جهت بررسی پیش فرض همگنی واریانس ها در نمونه پژوهش آزمون لوین^۱ به کار گرفته می شود. چنانچه سطح معناداری آزمون از ۰/۰۵ بزرگ تر باشد؛ می توان گفت پیش فرض همگنی واریانس ها رعایت شده است. نتایج حاصل از اجرای آزمون لوین مربوط به مقیاس های پژوهش در جدول (۳) ارائه می شود.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون لوین مربوط به مقیاس های پژوهش

مقیاس	F	سطح معناداری
کیفیت زندگی	۲/۷۷	۲۵٪
بلوغ عاطفی	۱/۶۳	۴۲٪

نتایج حاصل از اجرای آزمون لوین نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها در مقیاس های پژوهش رعایت شده است.

فرضیه پژوهش:

- بین بلوغ عاطفی و کیفیت زندگی دانشجویان موسسه آموزش عالی حکمت رضوی رابطه معنادار وجود دارد.
- برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می شود که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	کیفیت زندگی	بلوغ عاطفی
کیفیت زندگی	۱	۸۶٪
بلوغ عاطفی	۸۶٪	۱

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود بین کیفیت زندگی و بلوغ عاطفی رابطه معنادار وجود دارد و فرضیه پژوهشی تایید می شود.



بحث و نتیجه گیری:

فرایند بلوغ یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است. استانی هال، که به پدر روان شناسی بلوغ معروف است، این مرحله را «دوران طوفان و فشار» می نامد. نوجوان در این دوره، تمایلات و خواشه های متضادی دارد؛ مثلاً با این که می خواهد با دوستان باشد، به تنهایی نیز علاقه مند است. روسو دوره بلوغ را تولد مجدد می داند. او می گوید: وقتی فرد به دوره بلوغ می رسد مثل این است که فرد دیگری با خصوصیات بدنی و روانی متفاوتی در وی به وجود آمده است. در هفت سال سوم زندگی که دوران بلوغ و جوانی است، تحولات سریعی در جسم و جان نوجوان پدیدار می گردد و در مدت کوتاهی اندام و افکارش به کلی تغییر می کند. دوره نوجوانی و بلوغ به سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی اطلاق می شود. این دوره یکی از بحرانی ترین دوره هاست. گاهی گذشتن از مرز کودکی و رسیدن به قلمرو بلوغ با نابسامانی های فراوانی همراه است. در این دوره، نوجوان نه دیگر کودک به حساب می آید و نه هنوز به درستی بالغ گردیده است. وی در مرز بین این دو مرحله (کودکی و بزرگ سالی) قرار می گیرد و با فشارها و انتظارات خاص هر دوره رو به رو می شود؛ از سویی، اگر کار کودکانه بکند او را ملامت می کنند که بزرگ شده است و این کار در شأن او نیست و از سوی دیگر، معمولاً با او مانند بزرگ سالان رفتار نمی شود. در زندگی، نقش کودک و بزرگ سال، هر کدام مشخص است و می دانند چه کاری باید انجام دهند، ولی نوجوان در وضع روحی مبهم و پیچیده ای به سر می برد؛ او به درستی نمی داند چه باید بکند (فلاویو و همکاران، ۲۰۰۵). عقیده رایج این است که بلوغ با دمدمی بودن نوجوانان و تمایل آنها به جدایی جسمانی و روانشناختی از والدین ارتباط دارد. اجازه دهید ببینیم پژوهش درباره این روابط چه می گوید: دمدمی بودن نوجوانان: با اینکه پژوهش نشان می دهد که سطح بالاتر هورمون مربوط به بلوغ با دمدمی بودن بیش تر ارتباط دارد، ولی این رابطه نیرومند نیست (جیسون و ویجان ۲۰۱۶). به هر حال نکته مهم که اکثر دانشمندان نیز بر آن اذعان دارند این است که افراد دارای بلوغ عاطفی شرایط زندگی را بر طبق اراده خود می توانند تغییر دهند و بنابراین نسبت به دیگران کیفیت زندگی بیشتری را نیز تجربه می کنند.

1- Flavio

2- Jaseena, F. & Vijayan



فهرست منابع و مآخذ

- غفاری، غ.، کریمی، ع. و نوذری، ح. (۱۳۹۱). روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ص ۱۳۴-۱۰۷.
- قادری دهکردی زهرا، احمدی رضا، قاسمی پیرحسین (۱۳۹۲) بررسی رابطه خودشناسی، بلوغ عاطفی با امنیت اجتماعی دانش آموزان شهر کرد. فصلنامه تخصصی دانش انتظامی. ۲ (۵۰-۲۹).
- قهرمانی، ز. منظمی تبار، ف و کریمی، ب (۱۳۹۵). هنجاریابی آزمون بلوغ عاطفی در بین دانش آموزان دوره متوسطه. نمونه‌ی موردی. دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- محدث اردبیلی، ا. (۱۳۹۷) مقایسه کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در زنان نابارور تحت درمان IVF و GIFT. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد. ایران
- نجات، س. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن. مجله تخصصی اپیدسیولوژی ایران، ۲، ۶۳-۵۷.

___ Flavio, F. M, Kulis, S & Parsai, M. (2005). God Forbid! Substance use a mong religious and nonreligious youth. American Journal of orthopsychiatry, Vol75(4), PP585-98.

___ Jaseena, F. & Vijayan, K. (2016). Investigation on Emotional maturity And Cultural Inteligence Among Adolescence of Kerala. Research & Method in Education. No6. PP36-41.

___ Nol, H. (2002). Towards a European system of social indicators: theoretical framework and system architecture. Social indicators research, 58: 47-87.